



بهرز افخمی، فیلمساز که سابقه اجرای برنامه «هفت» را در کارنامه دارد، درباره ویژگی و شاخصه‌ای که موجب شده اجرای خانه جلال را قبول کند، می‌گوید: «خانه جلال را به این دلیل قبول کردم و از اجرای آن ترسیدم که خودم خیلی کتاب دوست دارم و این اواخر هم با کمک و راهنمایی یوسفعلی میرشکاک برنامه‌هایی درباره شاهنامه می‌سازیم و درحقیقت در حال یادگرفتن خواندن شاهنامه هستیم»

ی با کتاب و فرهنگ به جلال

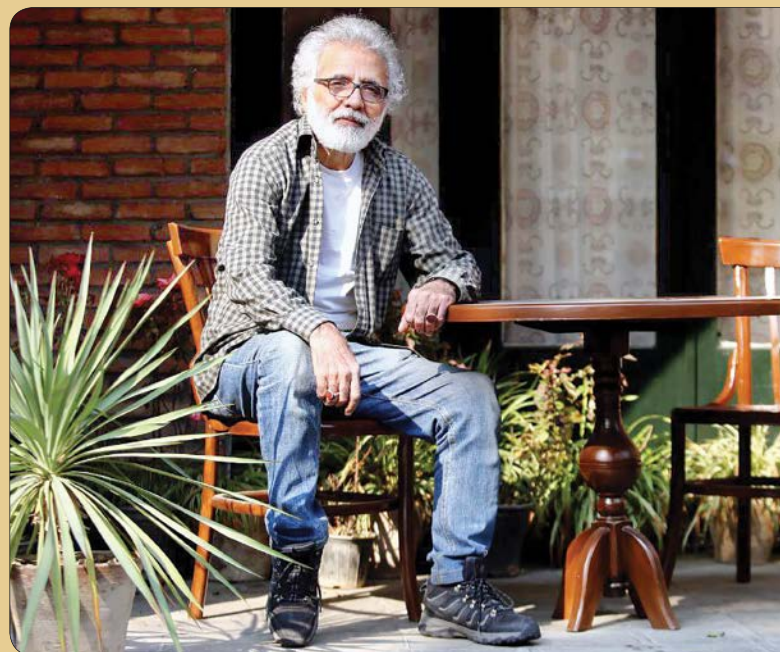
عاشقی با کتاب مجری خانه جلال

بهرز افخمی، فیلمساز که سابقه اجرای برنامه «هفت» را در کارنامه دارد، درباره ویژگی و شاخصه‌ای که موجب شده اجرای خانه جلال را قبول کند، می‌گوید: «خانه جلال را به این دلیل قبول کردم و از اجرای آن ترسیدم که خودم خیلی کتاب دوست دارم و این اواخر هم با کمک و راهنمایی آقای میرشکاک برنامه‌هایی درباره شاهنامه می‌سازیم و درحقیقت در حال یادگرفتن خواندن شاهنامه هستیم. ما شاهنامه پژوهان بسیاری داریم اما آقای میرشکاک یکی از بهترین‌های ایران در جگره شاهنامه‌شناسی ایران محسوب می‌شود و جزو افرادی است که روح شاهنامه را می‌شناسد. از طریق کارهایی که در این دو سال با ایشان انجام دادم، با دوستان دیگری از جمله ظهیر توکلی هم آشنا شدم. او شاعر، محقق و استاد ادبیات است و در بخشی از برنامه خانه جلال هم نظامی خوانی و هفت‌پیکر خوانی را به عهده گرفته است. همه اینها موجب شد موضوع کتاب‌ها و ادبیات قدیم ایران و نثر قرن پنجم به بعد که شاید ۲۰ سال پیش از طریق جعفر مدرس صادقی با آن آشنا شده بودم، برایم دوباره زنده شود. وقتی مشخص شد برنامه خانه جلال می‌خواهد بیشتر روی ادبیات قدیم ایران متمرکز باشد، خوشم آمد که حضور داشته باشم.»

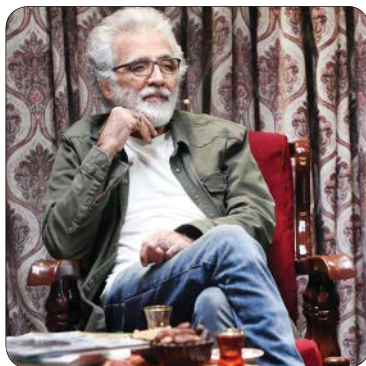
بررسی ادبیات قدیم در خانه‌ای قدیمی

خانه جلال، برنامه‌ای درباره فرهنگ و کتاب است و تفاوت آن با سایر برنامه‌هایی که در این حوزه ساخته می‌شود، این است که به ادبیات قدیم می‌پردازد. این را افخمی می‌گوید و در ادامه اضافه می‌کند: «حتی این برنامه در زمینه شعر هم بیشتر متمایل به شعر کلاسیک است تا شعر نو؛ ولی معنی‌اش این نیست که آقای میرشکاک با شعر نو مشکل دارد بلکه خودش اهل سرودن شعر سپید نیز هست، اما بالاخره کارشناس ادبیات قدیم ایران به خصوص شاهنامه است و برنامه نیز همین موارد را در بر می‌گیرد.»

افخمی ادامه می‌دهد: «موزه‌ای و قدیمی بودن مکان نیز یکی دیگر از تفاوت‌های این برنامه با سایر برنامه‌هاست؛ یعنی در یک موزه اتفاق می‌افتد و در روزهایی که برنامه ضبط نمی‌شود بازدید دارد و همین حالت در محتوای برنامه هم هست. در این برنامه به گذشته و ادبیات ایران که مفهوم ایرانی بودن ما را می‌سازد، زیاد مراجعه می‌کنیم. ایرانی بودن ما بدون شاهنامه قابل تصور نیست و ادبیات ما هم ایرانی بودن ما را منتقل می‌کند. بعضی‌ها این تعبیر درست را به کار می‌برند که ایران جایی است که به زبان فارسی و با فرهنگ ایران صحبت می‌شود؛ یعنی اگر شما در کشور دیگری باشید که خانواده به زبان فارسی صحبت می‌کنند و فرهنگ ایرانی دارند، در ایران هستید.»



تماشاگر شبکه نسیم را دست‌کم نگیریم



برنامه‌هایی نظیر خانه جلال شاید براساس تصور موجود در قاب شبکه چهار بگنجد و اجرای چنین برنامه‌ای در شبکه نسیم سختی‌های خاص خود را دارد؛ چرا که هم باید برای عموم مردم جذاب باشد و هم از سطح خود عدول نکند. افخمی درباره اجرای این برنامه برای مخاطبان می‌گوید: «تماشاگر شبکه نسیم را نباید دست‌کم گرفت؛ چون گاهی مخاطب می‌خواهد برنامه‌ای ببیند که در عین سرگرمی، نکات جالبی داشته باشد. به هر حال، مخاطب می‌تواند به این برنامه به شیوه‌ای نگاه کند که می‌توان از آن لذت برد و کار فکری هم انجام داد. فکر می‌کنم برنامه‌های ویژه حوزه کتاب، پیش از این مانند «کتاب باز» همین کار را می‌کرد و برنامه سبکی نبود، اما در عین حال در شبکه نسیم به تدریج مخاطب خود را پیدا کرد و جذاب شد.»

بازشدن باب آشنایی در این خانه

برنامه‌هایی نظیر خانه جلال نیاز به سؤالاتی دارند که تنور گفت‌و شنود بین مصاحبه‌شوندگان و البته مردم به عنوان مخاطبان اصلی گرم شود. حسن زاده درباره شکل پرسش سؤالات از مهمانان یادآوری می‌کند که سؤال خاصی برای مهمانان وجود ندارد و تنها گروه سردبیری با مهمانان صحبت می‌کند: «گروه سردبیری یک سری اطلاعات را از مهمانان می‌گیرد و با آنها به اشتراک می‌گذارد و در نهایت به یک خروجی می‌رسد که در برنامه بیان می‌شود. معمولاً افراد اگر ادیب یا هنرمند باشند، اطلاعاتی از خودشان می‌دهند که این کارها را انجام داده‌اند. شاید بعضی ناشناخته باشند اما در بعضی مواقع هم باب آشنایی باز می‌شود و از دل این مباحث گفت‌وگویی جذاب شکل می‌گیرد.»

قالب برنامه‌هایی مانند خانه جلال به نحوی است که امکان دارد در دام خسته‌کننده بودن یا کسل‌کننده بودن بیفتد؛ کما این که در قسمت‌های آغازین کمی این طور به نظر می‌رسد. حسن زاده در این رابطه می‌گوید: «وقتی شما بهروز افخمی و یوسفعلی میرشکاک را دارید، از لحاظ دانش در سطحی هستند که نمی‌توانیم از آنها توقع داشته باشیم سطح‌شان را پایین بیاورند. بالاخره در بعضی قسمت‌ها مباحث به دلیل نوع مهمانانی که هنرمند، شاعر و نویسنده هستند تخصصی می‌شود.»

تنور گرم گفت‌وگوها در «خانه جلال»

افخمی درباره خط سیری که گفت‌وگوهای برنامه طی می‌کند، می‌گوید: «همیشه سردبیرهای برنامه سعی می‌کنند محورهای موضوعی داشته باشیم و همان طور که گفتیم رویکرد ما برای کل برنامه‌ها به سمت ادبیات قدیم ایران است و البته نویسندگان جوانی که شروع به داستان نویسی و رمان نویسی می‌کنند نیز معرفی می‌شوند. گاهی موضوعات محوری که در برنامه‌ها دنبال می‌کنیم، با جذابیت‌های خود موضوع، تغییر می‌کند؛ یعنی می‌بینیم نویسنده حرف‌هایی دارد که جالب است؛ بنابراین خط اصلی گفت‌وگو را هم می‌کنیم و سراغ جذابیت‌های کسی می‌رویم که با آن گفت‌وگو می‌کنیم.»

این کارگردان سینما و مجری در خصوص این که خانه جلال به چه ضرورت یا خلأ مخاطب پاسخ می‌دهد، می‌گوید: «فکر می‌کنم تلویزیون و به خصوص شبکه نسیم که بیننده ساده‌تر و معمولی‌تری دارد، باید یک یا دو برنامه دائمی درباره کتاب داشته باشد. ضرورت معرفی کتاب‌هایی با مخاطبان عام احساس می‌شود و همین را باید به عنوان انگیزه اصلی برای تولید این برنامه‌ها در نظر گرفت؛ حالا ممکن است برنامه‌ای مانند خانه جلال متمرکز روی کتاب‌های قدیمی‌تر و شعر و یک برنامه دیگر نیز درباره ادبیات مدرن و نویسندگان جوان باشد.»

اجرای خانه جلال

هر قدر جست‌وجو کردیم، نتوانستیم به شخصی جز آقای افخمی که به تمام هنرها از قبیل موسیقی، نقاشی، مجسمه‌سازی، فیلمسازی و فضای فرهنگی کشور اشراف داشته باشد برسیم. با توجه به این که قرار است یک مجله تصویری بشویم آقای افخمی بهترین گزینه هستند.»

او درباره همراهی یوسفعلی میرشکاک نیز می‌گوید: «من آقای میرشکاک را در حد شاعر می‌شناختم اما ایشان به قدری مطالعه دارند که وارد هر فضایی بشود، احساس ناسازگاری ندارند و هرآنچه را که می‌گویند براساس کتاب و سند می‌گویند. همین موجب می‌شود که دو نفر بزرگ را داریم که مهمانان به آنها وصل می‌شوند و درباره یک موضوع با هم صحبت می‌کنند.»